

صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ

مقایسه تطبیقی تأثیر شیوه‌های تبلیغی پیامبر

در دعوت به اسلام

با سیاست‌های تبلیغی معاویه در شام

زهرا زحمت‌کش^۱

سیدناصر موسوی^۲

چکیده

تبلیغات یکی از مهم‌ترین پایه‌های تمدن بشری محسوب می‌شود که در طول تاریخ به شکل‌های مختلف از آن استفاده شده است. هدف پژوهش حاضر مقایسه تطبیقی تأثیر شیوه‌های تبلیغی پیامبر ﷺ در دعوت به اسلام با سیاست‌های تبلیغی معاویه در شام می‌باشد. مقاله حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی می‌کوشد، به این پرسش پاسخ دهد که چگونه پیامبر ﷺ توانست در فرصتی محدود و با امکاناتی ناچیز چنان تحولی در مردم بوجود آورد که بعد از مدتی جامعه‌ای کاملاً متفاوت با آنچه قبل از آن بود ایجاد کند؛ همچنین سیاست‌های تبلیغی معاویه در شام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پیامبر ﷺ به‌عنوان اولین منادی و مبلغ دین اسلام در مدت زمانی نه چندان طولانی در جامعه‌ای که جاهلیت در آن ریشه و سابقه‌ای چند صد ساله داشت، برای ابلاغ رسالت و به کارگیری شیوه‌های دعوت به اسلام، اسلوب ویژه‌ای به کار گرفتند؛ همین امر سبب پیشرفت حقیقی و نفوذ در دل‌ها شد و دین او را جاودانه نمود، ایشان به‌عنوان الگو و نماد یک مبلغ موفق توانست با رهاورد رحمت برای همه انسان‌ها وارد عرصه رسالت گردد نه با خشم و غضب و جنگ و خونریزی، به تنهایی قیام کرد و جامعه را از جاهلیت ظلمت و تباہی رهایی بخشید. جریان تبلیغ پس از رحلت پیامبر ﷺ خصوصاً از عهد اموی به اصالت و واقعیت خود باقی‌نماند و نیرنگ و جعل حدیث و سیاسی‌کاری‌های مکارانه با تبلیغات اسلامی آمیخته شد. نمونه بارز این سیاست غلط و اوج‌گیری آن، حرکت‌های تبلیغی اولین خلیفه اموی، معاویه پسر ابوسفیان بود. او با اتخاذ سیاستی، ضد آنچه از اسلام ترسیم شد، به تعقیب اهداف و تحکیم پایگاه خویش می‌پرداخت. او خود معترف بود که از اسلام و تبلیغ و جنگ و صلح و سایر موضع‌گیری‌هایش رواج دین و پیروزی مسلمین را نمی‌خواهد بلکه هدفش حاکمیت است. متداول‌ترین سیاست‌های او، تبلیغات ضد علوی بود، همچنین به کار گرفتن گروهی جاعل حدیث برای ساختن احادیثی با همان جهت‌گیری‌های ضد علوی با گرایش قریشی و ابوسفیانی، همه از جمله ابزارهای سیاسی-تبلیغاتی معاویه و کارگزاران او بوده است. همه این ابزارها و سیاست‌بازی‌ها باعث شده بود که مردم شام در یک حصار تبلیغی بسیار محدودکننده قرار گیرند که آنها را به لحاظ فکری و اعتقادی مانند ساکنان یک جزیره دورافتاده از سایر نقاط جهان اسلام و وقایع جاری و حقایق مسلم در آن جدا می‌کرد.

کلیدواژه: پیامبر اکرم ﷺ، شیوه‌های گفتگو، دعوت، اسلام، معاویه، امویان، تبلیغات، شام.

۱. طلبه سطح سه رشته تاریخ اسلام جامعه الزهراء ﷺ، قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛ z.zahmatkesh1@yahoo.com

۲. دکتری تاریخ اسلام و مدرس جامعه الزهراء ﷺ، قم، ایران؛ snmusavi962@gmail.com

مقدمه

اسلام به عنوان یک آیین تبلیغی الهی، که بار هدایت بشر را بر دوش دارد، با بهره‌گیری از نیروی اندیشه، عقلانیت، محبت و حقانیت و با به‌کارگیری اصول صحیح در تبلیغ و تبیین، توانسته است در اندک زمان، عقل‌ها را دنوردد و قلب‌ها را تسخیر کند. اسلام هیچ‌یک از مقاطع و لحظه‌ها را برای ابلاغ رسالت و پیام خدا از نظر دور نداشته و همواره از آنها برای هدایت بشر استفاده کرده است.

رسول خدا ﷺ در طول دوران رسالت آسمانی خویش، با اتخاذ یک سیره تبلیغی منسجم و منتظم توانست ایده‌های ناب الهی را به گوش تمام مردم برساند و از این طریق، اولین گام را در اجراء رسالت خطیر خود بردارد. ایشان از آغاز بعثت تا واپسین روزهای عمر خویش به این امر مبادرت ورزید. ویژگی‌های رسول اکرم ﷺ، در خانه، اجتماع، با دوستان، دشمنان، در جنگ، در عبادت، در نظم و... زبانزد خاص و عام بود؛ از این رو اصل رسالت و تبلیغ پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ نیز بنا به مقتضیات زمان و شرایط محیط و اجتماع، همچنان راه خود را پیمود. باین حال، در شرایط و اوضاع سیاسی حاکم، همواره روند اصیل اسلامی پابرجا باقی نماند و دستخوش انحرافات شد.

به‌طورکلی، دوره حاکمیت خلفای راشدین و بنی‌امیه، از نظر سیر دعوت به اسلام و چگونگی آن، مراحل متفاوتی داشته است. اگر اعراب در دوره خلفای راشدین به‌واسطه نیاز به حمایت بیشتر و تحکیم موقعیت جدید، از مسلمان شدن بومیان استقبال می‌کردند، در دوره امویان، گرایش به اسلام، کاهش درآمد امویان را در پی داشت. آنها روی خوش به تازه‌مسلمانان نشان نمی‌دادند. با وجود این، در دوره امویان، آنان چندان داعیه انتشار اسلام را نداشتند و صرفاً گاهی مبلغانی رسمی از جانب امرای محلی، برای دعوت غیر مسلمانان، به نقاطی مانند خراسان و ماوراءالنهر اعزام می‌شدند. نقش امویان در تکوین و ایجاد سیاست‌های تبلیغی در شام، که از زمان شیخین آغاز می‌شود، قابل بررسی جدی است. معاویه به‌رغم سابقه مخالفت خود و خانواده‌اش با رسول خدا ﷺ و رسالت او،

موفق شد پس از وفات آن حضرت، به عنوان یکی از مقتدرترین عاملین حکومت اسلامی، قدرت‌نمایی کند و بلافاصله در قامت خونخواهی خلیفه، به مخالفت با امام علی علیه السلام، خلیفه منتخب مردم برخیزد. وی سپس ضمن فعالیت‌هایی نظیر جنگ رودرو با امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام، ایجاد تفرقه و انشقاق فکری و عملی در جامعه، تطمیع و ارباب عناصر کلیدی در لشکر عراق و گردآوردن آنها در حوزه عمل خویش، سرانجام توانست رسماً و قانوناً بر کرسی خلافت صعود کند! و تا حدود بیست سال پس از آن زمان، تسلطی بلامنازع بر جهان اسلام داشته باشد. نرمش‌های ظاهری معاویه در مقابل دشمنان و بردباری او با مقابل کسانی که آشکارا با او به دشمنی و ناسزاگویی می‌پرداختند و نیز بی‌رحمی او با شیعیان، قابل تأمل و بررسی است.

مفهوم‌شناسی

تبلیغ از ریشه «بلغ» به معانی رساندن و رسانیدن پیام است. در زبان عربی، علاوه بر تبلیغ، از «دعوت»، «اعلام»، «دعایه» و امثال آن، و در فارسی اغلب از واژه «تبلیغ» و یا «تبلیغات» استفاده می‌کنند. اصطلاح پروپاگاندا (propaganda) امروزه معادل تبلیغ و به معنای تحت تأثیر قرارداد دیگران می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۷۳)

راغب اصفهانی در مفردات می‌نویسد: بلوغ و ابلاغ یعنی رسیدن به انتهای مقصد، اعم از آنکه مقصد، مکان باشد یا زمان یا امری معین. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۲۵)

واژه تبلیغ، گویای رساندن پیام به صورت صحیح می‌باشد و واژه‌های هم‌خانواده آن نیز در قرآن و کتب روایی، کاربرد فراوان دارد. به عنوان مثال، درباره پیامبران می‌فرماید: ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾ (مائده: ۹۹). مفهوم تبلیغ (رساندن پیام الهی)، در آیات زیادی به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، قرآن می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾. (نحل: ۱۲۵)

تبلیغ در اصطلاح، رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار او

و نیز اقناع مخاطب و برانگیختن احساسات وی، به سوء یا بر ضد یک موضوع است. در تبلیغ، تنها رسانیدن یک ایده به مخاطب مراد نمی باشد، بلکه اقناع یا ترغیب او مورد نظر است. (رهبر، ۱۳۹۱، ص ۷۸)

۱. شیوه‌های گفتگوی پیامبر ﷺ در دعوت به اسلام

پیامبر اکرم ﷺ در مدتی کوتاه توانست انقلابی بزرگ در رفتار، روش و افکار مردم زمان خود ایجاد کند. این تحول عظیم، در سایه رویکرد خاص آن بزرگوار بود؛ رویکردی که می‌کوشید با همه وجود، دل‌ها و قلب‌ها را متوجه دین گرداند. شیوه‌های گفتگوی پیامبر ﷺ در دعوت به اسلام را می‌توان به سه شیوه گفتاری، عملی و مرکب (گفتاری و عملی) تقسیم کرد:

۲.۱. شیوه‌های گفتاری

منظور از شیوه‌های تبلیغی گفتاری، روش‌هایی است که به نحوی با سخن و کلام، قابل ارائه بوده و بدون کلام، اتخاذ آنها تقریباً ناممکن است. بی‌تردید، این شیوه‌ها به تنهایی نمی‌توانند فرایند تبلیغ را به نتیجه مطلوب هدایت کنند؛ بلکه هماهنگی و ارتباط سنجیده این شیوه‌ها با شیوه‌های عملی و نیز شیوه‌های مرکب می‌تواند در روند دعوت، پیامدهای خوبی را به ارمغان آورد. در اینجا به ارائه مؤثرترین و با اهمیت‌ترین شیوه‌های گفتاری رسول خدا ﷺ در تبلیغ اشاره می‌کنیم. (حجتی و عباس مقدم، ۱۳۷۷، ص ۷۶)

۲.۱.۱. بیان صریح عقاید و استدلال منطقی

بر اساس بیان قرآن کریم، رسول خدا ﷺ در اولین مرحله دعوت، اعتقادات خود را با صراحت به مخاطبان اعلام می‌کرد و آن‌گاه با استدلال‌های متقن، متین و منطقی، سعی در تحکیم آنها و اتقان مردم می‌نمود: ﴿قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبٍ؛ بگو جز این نیست که من مأمورم خدا را بپرستم و به او شرک نوزم، به سوی او می‌خوانم و بازگشتم به سوی اوست﴾ (رعد: ۳۶). آن حضرت بارها در بازارها و مجامع مختلف

مکه و اطراف آن، مردم را به عقاید خود، که نفی عبادت بت‌ها و پرستش خالصانه الله بود فرامی‌خواند. شعار توحیدی «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»، خود اعلام عقیده‌ای صریح است. آنه ماری شیمل، اسلام‌پژوه و خاورشناس آلمانی، در کتاب محمد رسول خدا ﷺ آورده است: گسترش سریع و حیرت‌آور حکومت اسلامی در نخستین سده پس از رحلت پیامبر ﷺ، جای شکی باقی نمی‌گذارد که این دین ظفرمند، همان آیین راستین است و آن کسی که آن را تبلیغ می‌کند، پیامبر ﷺ برحق خداوند است. چه کسی جز این انسان، می‌توانست آخرین وحی جامع را از سوی پروردگار بیاورد. (شیمل، بی‌تا، ص ۹۱)

۲،۱،۲. دعوت به مشترکات

پیامبر ﷺ برای یافتن راهی به منظور نفوذ در دل و اندیشه مخاطبان، درصدد بیان نقاط مشترک عقیدتی با آنان بود تا آن مشترکات را واسطه ارتباط عمیق‌تر و مناظره منطقی قرار دهد؛ از این رو در مواجهه با یهود و نصاری بر عقاید صحیح و قابل قبولشان تأکید می‌کرد: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد...» (آل عمران: ۶۴) و نیز: «وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِهْنَأْ وَإِهْكُمُ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ؛ و بگوئید: به آنچه به سوی ما نازل شده و آنچه به سوی شما نازل شده، ایمان آوردیم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم اویم». (عنکبوت: ۴۵)

۲،۱،۳. تصدیق رسالت‌های پیشین

جامعیت و کمال نظام اعتقادی اسلام و نظام تبلیغی پیامبر ﷺ موجب آن نیست که به‌کلی از دعوت‌های پیامبران پیشین جدایی و بی‌اعتنایی‌گزینند، بلکه بر اساس رهنمود الهی با جدیت تمام، نه تنها بر تعالیم حقه آنان صحه می‌گذارد، بلکه در موارد بسیار، احکام شرایع پیشین را تثبیت می‌کند و با صبغه اسلام بر آنها مهر تأیید می‌زند. این

جلوه‌ای از پایبندی دعوت اسلامی به حقیقت است که در تأیید و تجلیل آیین ابراهیم و افتخار به التزام آن می‌گوید: «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ بگو: آری، پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است؛ دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای، که او از مشرکان نبود». (عنکبوت: ۴۵) و نیز: «كُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ دُونِ اللَّهِ يُبَيِّنُ لَكُم مَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَأنتُمْ لَمَّا كُنْتُم مُّشْرِكِينَ مُّعْتَدِينَ بِبُحْتٍ بَيْنَكُمْ أَنفُسِكُمْ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ اللَّهِ إِنَّكَ أَنتَ بَصِيرٌ» (آل عمران: ۸۱). ولتر، اندیشمند غربی، معتقد است، دینی که حضرت محمد ﷺ آورد بی‌شک از مسیحیت برتر بود. او قانون‌گذاری خردمند بود که می‌خواست بشریت را از بدبختی، جهل و فساد، رهایی بخشد و هرگز قانونی کامل‌تر از قوانین قرآن، که به وی وحی گردید، نازل نشده است. (حدیدی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳)

۲.۲. شیوه‌های عملی

برخی شیوه‌های اعمال شده در تبلیغ پیامبر اکرم ﷺ، تماماً دارای جنبه عملی بوده و گفتار، در آن دخالتی نداشته یا کمترین نقش را داشته است. در ادامه، به بررسی مهم‌ترین این موارد می‌پردازیم تا ضمن شناسایی بیشتر سیره تبلیغی حضرت، بر اهمیت توجه به تبلیغ عملی و غیر مستقیم و آثار ماندگار آن تأکید ورزیم و آن را در معرض کاوش جدی‌تر ارباب نظر قرار دهیم.

۲.۲.۱. ترویج فضایل با رفتار

پیامبر اکرم ﷺ، الگوی همه فضایل و کمالات بود. او تنها با گفتارش، مردم را به تزکیه نفس، خودسازی، پایبندی به احکام خدا و توجه به اخلاق الهی فرامی‌خواند، بلکه با رفتار خود نیز مروج فضایل انسانی بود؛ تا بدان جا که خداوند این ویژگی حضرت را عظیم شمرده است: «انک لعلی خلق عظیم؛ همانا تو دارای خلق عظیم هستی». (آل عمران: ۸۱)

پیامبر ﷺ، تندیس عینی تعالیم اسلام و الگوی کامل و جامع برای بشر است و این الگو بودن، منحصر به بعد خاصی از حیات بشری نیست. پیامبر ﷺ در عبادت و تقوا، علم

و اندیشه، ایثار و از خودگذشتگی، شجاعت و مبارزه، عفاف و پاکدامنی، محبت و عطف، تواضع و بردباری، زهد و پارسایی، نظم. مدیریت و سیاست، سرآمد همه انسان‌ها است. از این رو خداوند او را الگویی کامل معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا ﷺ، الگوی نیکویی بود برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» (احزاب: ۲۱)؛ یعنی پیامبر، الگویی است که مسلمانان می‌توانند خود را در همه امور با آن حضرت منطبق کنند و این امر، ثابت و همیشگی است.

۲.۲.۲. رعایت شرایط اجتماعی

پیامبر اکرم ﷺ از روز نخست بعثت، به جهانی بودن رسالتش ایمان داشت؛ اما به اقتضای شرایط اجتماعی و سیاسی موجود در حجاز، ابلاغ رسالت را با تربیت افراد خاص و به صورت پنهانی آغاز کرد. آن حضرت به مدت سه سال، به صورت فردی، افراد را به اسلام فراخواند و آن‌گاه که مأمور شد نبوت خود را علنی اعلام کند، از خویشاوندان خود شروع کرد؛ زیرا در جامعه بدوی حجاز اگر عشیره حضرت ﷺ او را حمایت نمی‌کردند، نمی‌توانست در برابر شیطنت «مشرکان و حاکمان خودسر» مقاومت نماید. بعد از این مرحله بود که آیه شریفه: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ؛ پس تو آشکارا آنچه مأموری (به خلق) برسان و از مشرکان روی بگردان» (حجر: ۹۴) نازل شد و تبلیغ علنی و همگانی پیامبر ﷺ آغاز گردید.

۲.۲.۳. اصل انعطاف‌پذیری در تبلیغ

بر اساس اصل انعطاف‌پذیری در تبلیغ، گاهی پیامبر ﷺ برای اینکه مشرکین، دعوت اسلام را بپذیرند، اگر آنها شرایطی برای مسلمان شدن درخواست می‌کردند که با اصول و مبانی اسلام منافاتی نداشت، آن را می‌پذیرفت تا مایه دلگرمی و تشویق آنها گردد و این عمل، از نظر روانی تأثیر بسزایی در مخاطب داشت. برای مثال، درخواست هیأت نمایندگی از قبیله ثقیف مبنی بر اینکه افراد قبیله از شکستن بت‌ها به دست خویش معاف شوند،

مورد موافقت آن حضرت قرار گرفت؛ چرا که هدف، از بین بردن معبودهای باطل بود، خواه این کار به دست آنها انجام گیرد یا دیگران. همچنین پذیرش شرایط مشرکین مکه در جریان صلح حدیبیه، که حتی با اعتراض برخی صحابه روبرو شد نیز بر اساس رعایت این اصل بود. بر اساس این روش پیامبر ﷺ، مبلغ باید تا آنجا که امکان دارد و ضرری به اصول اسلام وارد نمی‌شود، از خود انعطاف نشان دهد تا قلوب طرف مقابل را تسخیر کند.

۲،۲،۴. تحمل ناملایمات

ویژگی دیگر تبلیغ آن حضرت ﷺ، عشق به هدایت مردم و تحمل ناملایمات بود و در این مسیر، بسیار حرص می‌ورزید؛ حرص و تلاشی که سودش عاید دیگران می‌شد. حضرت در سخت‌ترین شرایط، برای نجات مردمش می‌کوشید، حتی اذیت‌ها و آزارهایشان را تحمل بر جهل نموده و به جای نفرین، برای هدایت‌شان دعا می‌کرد. خداوند حضرتش را این‌گونه معرفی می‌کند: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ به یقین رسولی از خود شما به‌سوی‌تان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است، او برای هدایت شما پافشاری می‌کند، او نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است. (توبه: ۱۲۸)

حضرت به قدری خود را برای تبلیغ دین و هدایت مردم به زحمت می‌انداخت که خداوند سبحان بر او ترحم کرده و فرمود: ﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾ گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه، هلاک گردانی، اگر به این گفتار ایمان نیاورند. (کهف: ۶)

تبلیغات آن حضرت ﷺ برای منافع شخصی نبود. ایشان مردم را برای خود نمی‌خواست. از گمراهی مردم رنج می‌برد؛ زیرا آنها را در آتش می‌دید. حریص و عاشق هدایت مردم بود. بنابراین به دستور قرآن اعلان کرد: «از شما اجر و مزدی جز محبت نزدیکانم نمی‌خواهم، و همین محبت نیز برای شما سودمند است». (شوری: ۲۳)

پیامبر خاتم ﷺ در انجام رسالت خویش از هر گرفتاری و بلایی استقبال می‌کرد.

مشرکان حجاز برای بازداشتن پیامبر ﷺ از تبلیغ اسلام، کارهای زیادی انجام دادند که توهین، تهمت، شکنجه و نیز محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب، از جمله آنها بود؛ اما هیچ‌یک از این ناملازمات نتوانست حضرت ﷺ را از هدفش باز دارد؛ زیرا از طرف خدای سبحان مأمور به مقاومت بود: ﴿فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ؛ در راه خدا پیکار کن! تنها مسئول وظیفه خود هستی﴾ (نساء: ۸۴) و همچنین: «وَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ؛ آن‌چنان‌که مأمور شده‌ای استقامت نما، و از هوی و هوس‌های آنان پیروی مکن». (شوری: ۱۵)

۲،۲،۵. توجه به طبقات مختلف به‌ویژه ضعفا و جوانان

با توجه به روحیه حق‌پذیری و تلاشگری و تحرک موجود در جوانان و نیز با عنایت به حق‌جویی و اخلاص وافر ضعفا، مستمندان و تهی‌دستان از تعلقات جدی دنیوی، در تبلیغ پیامبر ﷺ، اهتمام ویژه‌ای به این قشرها معطوف شد. (افتخاری، ۱۳۸۲، ص ۹۳) طبق روایت ابن‌سعد و دیگر سیره‌نویسان، ایمان‌آوردگان نخستین، بیشتر از ضعفا و جوانان بودند. نمونه ضعفا و جوانان مورد توجه ویژه پیامبر، که از استعداد، اخلاص و معارف والایی برخوردار بودند عبارت است از: عمّار یاسر، صهیب بن سنان، بلال بن رباح، خباب بن الارت و عامر بن فهیره که نقش آنها در تحولات مهم تاریخ اسلام غیر قابل انکار است. (ابن‌سعد، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۷۲)

۲،۲،۶. شجاعت در برخورد با مخالفان

رسول اکرم ﷺ تندیس هدایت و مهرورزی بود؛ اما آن‌گاه که همه راه‌های مسالمت‌آمیز تبلیغ و هدایت را بسته می‌دید و عده‌ای را مانع رسیدن پیام اسلام به دیگران می‌دانست، به منظور رفع موانع تبلیغی، رسالت هدایت‌گرانه‌اش را در قالب جهادی بی‌امان به نمایش می‌گذارد و در این راه چنان شجاعانه و ایثارگرانه عمل می‌کرد که هیچ‌کس را یارای ایستادگی در برابر تیغ بران او نبود. آری، آن حضرت برای رضای خدا، با آنان که سدّ راه انسانیت بودند، می‌ستیزید و در کارزارهای صعب، خود پیشتاز جنگاوران بود و یارانش را با جلوداری کسان و خویشان خود حفظ می‌کرد. (افتخاری، ۱۳۸۲، ص ۹۳): ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ

عَلَى الْكُفَّارِ؛ مُحَمَّدٌ ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار، سرسخت و شدیدند» (فتح: ۲۹). در این باره امیرالمؤمنین علیؑ می فرماید: «وجاهد في الله اعداءه غير واهن ولا معذر؛ در راه خدا با دشمنان او جهاد کرد؛ نه ناتوان شد و نه عذری آورد». (معتزلی، ۱۳۷۵، ص ۱۱)

۲.۲.۷. تأکید به فراگیری علوم و دانش زمان

رسول خدا ﷺ از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی، مسلمانان را به فراگیری علوم و دانش زمان خود سفارش می فرمود تا از یک سو، آنها اسلام را با آگاهی کامل بپذیرند و بر ایمان خویش استقامت ورزند و از سوی دیگر، چون اسلام، دینی جهانی است و باید به عموم مردم جهان ارائه شود، باید بتوان با اقوام، ملت‌ها، مذاهب و ادیان دیگر ارتباط برقرار کرد. لازمه برقراری این ارتباط، آشنایی با زبان، عقاید و افکار آنها و فراگیری علوم آنهاست. بنابراین، تأکید پیامبر اکرم ﷺ به مسلمانان، مبنی بر فراگیری علم و دانش و آگاهی از عقاید و افکار ملت‌های دیگر، می تواند نوعی روش تبلیغی برای جهانی کردن آیین توحیدی باشد. از این رو، پیامبر ﷺ نه تنها مسلمانان را به فراگیری علوم و دانش زمان خود امر می کردند، بلکه سعی داشتند که مسلمانان، از عقاید و افکار مذاهب دیگر نیز مطلع شوند تا بتوانند به آسانی با آنها ارتباط برقرار کنند و دین اسلام را به جهانیان برسانند. در این راستا، در سال چهارم هجری به زیدبن ثابت دستور دادند که خط سریانی را از یهودیان بیاموزد. (عاملی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۸۳)

۲.۲.۸. به کارگرفتن نیروهای شایسته

رسول خدا ﷺ با توجه به خوش بینی و نظر لطف و رحمتی که به مردم داشت، همگان را مورد عنایت قرار می داد، اما این امر سبب نمی شد که در واگذاری مسئولیت‌ها، دقت و وسواس لازم را به خرج ندهد و هر کسی را به هر کاری بگمارد. ایشان به شایستگی و توان نیروها دقت داشت؛ هرچند در این راستا، باورهای قومی و قبیله‌ای نادیده گرفته شده و موجب اعتراض واقع شود. پس از فتح مکه و ساماندهی امور توسط پیامبر اعظم ﷺ،

هنگامی که حضرت قصد داشت عازم جنگ حنین شود، عتاب بن اسید، که جوانی هجده ساله و از هر جهت شایسته بود، به فرمانداری مکه منصوب فرمود. حضرت ﷺ در این انتخاب، شایستگی را ملاک عمل قرار داده بود، نه سالمندی و ریاست قبیله و یا دیگر امتیازات جاهلی را؛ بنابراین از سوی عده‌ای مورد اعتراض واقع شد و حضرت ضمن بیان صلاحیت و شایستگی عتاب برای این امر، فرمود: «و لا یحتج محتج منکم فی مخالفتہ بصغر سنہ، فلیس الاکبر هو الافضل، بل الافضل هو اکبر؛ هیچ‌یک از شما نمی‌تواند جوان بودن او را بهانه مخالفت قرار دهد؛ زیرا هرکس که سالمندتر باشد، برتر نیست، بلکه آنکه از دیگران برتر و با فضیلت‌تر باشد، بزرگ‌تر خواهد بود». (عاملی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۸۵)

پیامبر اکرم ﷺ در رابطه با صلاحیت و توان مبلغان، هیچ مسامحه و گذشتی روا نمی‌دانست. ایشان به افرادی که صلاحیت کاری نداشتند، مسئولیتی واگذار نمی‌کرد، هرچند آدم‌های خوب و از یاران نزدیک آن حضرت بودند. یکی از این نمونه‌ها، جناب ابوذر غفاری است. هرچند وی از یاران وفادار پیامبر ﷺ و از جهت زهد و صداقت مورد تأیید آن حضرت بود، با این حال هنگامی که سخن از مسئولیت می‌شود، نه تنها پیامبر ﷺ به او مسئولیتی واگذار نمی‌کند، بلکه ضعف او را با صراحت اعلام کرده و می‌فرماید: «انی اراک ضعیفا فلا تامرون علی ائنین و لا تولین مال الیتیم؛ من تو را در کار اجرایی ضعیف می‌بینم، بنابراین تو نباید فرماندهی و ریاست را حتی بر دو نفر بپذیری و یا تولیت مال یتیم را به عهده بگیری». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲، ص ۴)

پیامبر ﷺ، امر تبلیغ را نیز به افراد شایسته و دارای صلاحیت واگذار می‌کرد. از این رو برای تبلیغ در مدینه، مصعب را برگزید که شخصی خوش بیان، خوش چهره، مطلع، عالم به احکام دین و از خانواده‌ای اصیل و با فرهنگ بود. همچنین برای ابلاغ پیام اسلام به یمن، امام علی علیه السلام را اعزام کرد و در حبشه، جعفر بن ابی طالب را برای سرپرستی مهاجران و دفاع از اسلام و قرآن و تبیین رسالت پیامبر ﷺ انتخاب فرمود. نکته قابل توجه اینکه عتاب، با همه شایستگی که برای فرمانداری و مدیریت دارد، شاید کارایی کمتری برای تبلیغ دین

داشت؛ بنابراین آن حضرت برای آموزش قرآن و بیان فقه، معاذبن جبل را برگزید. (بلاذری، ۱۳۶۷، ص ۴۷)

۲،۳. شیوه‌های مرکب

منظور از شیوه‌های مرکب، آن دسته از روش‌های تبلیغی پیامبر ﷺ است که گفتار و کلام از یک سو، و رفتار و عمل از سوی دیگر در اتخاذ و عمل به آن دخالت دارد. اهمیت این محور، آن‌گاه روشن می‌شود که تأکید قرآن بر تلازم قول و عمل، به ویژه در عرصه‌های اخلاقی و اجتماعی را مد نظر داشته باشیم. شکی نیست که توأم شدن قول و عمل در این دسته از شیوه‌ها، ضامن اثرگذاری و کارایی آن بوده است:

۲،۳،۱. استفاده از فرصت‌ها

غنیمت شمردن فرصت‌ها در امر تبلیغ، امری ضروری است. پیامبر ﷺ برای پیشبرد اهداف خود، همه فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود را شناسایی و از آنها بهره می‌برد. در هر فرصتی، از هر جمعیت و گروهی، در راستای ابلاغ رسالت خود استفاده می‌کرد. ایشان در ایامی که در شعب ابی طالب محاصره بودند، از فرصت ماه‌های حرام و حضور زائران کعبه استفاده می‌کرد و با حضور در جمع مردم، به تبلیغ می‌پرداخت و مردم را به اسلام دعوت می‌فرمود که این امر در گرایش مردم به اسلام و شکسته شدن محاصره، نقشی اساسی داشت. (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۸۶) در ادامه چند نمونه را متذکر می‌شویم:

۲،۳،۱،۱. ایجاد پایگاه‌های تبلیغی

برپایی مراکزی برای تبلیغ، موجب تمرکزبخشیدن به فعالیت‌ها و کنترل اوضاع می‌گردید؛ از این رو پیامبر اسلام ﷺ در دوران دعوت پنهانی، خانه «ارقم بن ابی الارقم» را برای آموزش قرآن و تعالیم اسلام انتخاب کرد. (ابن‌اسعد، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۳۴) پیامبر ﷺ پس از آنکه دعوت خود را علنی نمود، از مسجدالحرام به عنوان مرکزی برای فعالیت‌های ارشادی بهره جست. همچنین در بدو ورود به مدینه، مسجد قبا را ساخت (طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۲) و

آن را پایگاه دعوت نبوی قرار داد. پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و حضور مسلمانان در آن، مسجدالنبی ﷺ به عنوان مهم‌ترین پایگاه دعوت به اسلام، بنا گردید. مسجدالنبی از آن پس، مرکز و منشأ بزرگ‌ترین تحولات سیاسی، فرهنگی، دینی، اجتماعی و نظامی در جهان گردید. از آن زمان، مسلمانان در هر منطقه، مساجدی را بنیان گذاشتند.

مسجد در اثر تبلیغ پیامبر ﷺ، مرکز نشر احکام الهی، قضاوت، وعظ و ارشاد، تعلیم و تعلم، سازماندهی نظامی، فعالیت‌های سیاسی، عبادت و اعتکاف و سرانجام، پناهگاه افراد بی‌پناه بود. (عاملی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۲۰)

۲.۳.۱.۲. هجرت

بعد از اینکه قریش مسلمانان را تحت فشار قرار دادند و عرصه را در مکه برای آنان تنگ کردند، پیامبر اکرم ﷺ هجرت عده‌ای از مسلمانان به حبشه را مطرح فرمود. هجرت به حبشه، از طرفی مسلمانان را از آزار و شکنجه قریش نجات می‌داد و از طرف دیگر، پیام اسلام را در محیطی جدید گستراند و پایگاه جدیدی برای اسلام فراهم ساخت. پیش‌بینی حضرت ﷺ در این باره، درست و بجا بود. زیرا پادشاه حبشه و عده‌ای از مردم آنجا ایمان آوردند و مسلمانان در آن سرزمین، امنیت یافتند. (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ص ۱۷۵) در واقع هجرت پیامبر ﷺ و یارانش به «یثرب» زمینه گسترش اسلام را هموار کرد.

۲.۳.۱.۳. اعزام مبلغ به شهرها

از نشانه‌های پویایی و تحرک دستگاه تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ، اعزام افراد نخبه و بافضیلت از مسلمانان، به میان مجموعه‌های انسانی دور و نزدیک بود. اعزام مبلغان و تربیت شدگان مکتب اسلام به مناطق دیگر از اموری بود که در گسترش اسلام نقش بسزایی داشت. پیامبر اکرم ﷺ بهترین استفاده را از این شیوه برد. مبلغان گاهی حامل پیام دعوت به اسلام بودند و گاهی مأمور ارشاد و تعلیم کسانی بودند که به جرگه مسلمانان پیوسته بودند. در این راستا، معاذبن حبل به حمیر و عمروبن حزم به سوی خاندان بنی‌الحارث فرستاده شدند. (مسعودی، بی‌تا، ص ۹۱) یکی از این اعزام‌های کارساز و موثر، اعزام «مصعب بن

عمیر» مبلغ جوان و برازنده پیامبر ﷺ به مدینه بود. وی پس از پیمان اول عقبه، برای تعلیم سازنده و مؤثر راهی یثرب گردید. فعالیت تبلیغی او برای بیعت کنندگان عقبه اول و دوم در میان مردم مدینه و نیز در قبایل مختلف باعث شد که روز به روز نام رسول خدا ﷺ بیشتر بر سر زبان‌ها بیفتد و شیفته و دل‌باخته آن حضرت ﷺ شوند. (دینوری، ۱۳۶۴، ص ۳۲۵) نتیجه حضور این مبلغ، آن شد که این گروه آماده و تعلیم دیده، پشتوانه اصلی پیامبر ﷺ در گسترش ندای اسلام در مدینه را تشکیل دادند و باعث گسترش روزافزون دعوت اسلامی در منطقه شدند.

۲.۳.۱.۴. ارسال نامه به امپراتوران و حاکمان

پیامبر اکرم ﷺ برای هدایت جامعه جهانی، در سال ششم هجری، نامه‌هایی به سران جهان آن روزگار نوشت و آنان را به اسلام دعوت کرد. در این راستا، حضرت در یک روز، به شش نفر از سران جهان یعنی نجاشی، قیصر روم، خسرو پرویز، مقوقس، حارث بن غسانی و هوذبن علی نامه ارسال فرمود. گرچه واکنش حاکمان نسبت به این نامه‌ها متفاوت بود، اما در مجموع، موفقیت‌آمیز به شمار می‌رود. حداقل تأثیری که نامه‌های حضرت داشت، این بود که دعوت به اسلام در همه مناطق و در کاخ‌های امپراتوران جهان مطرح شد و دل سردمداران شرک را لرزاند. نامه‌های پیامبر اکرم ﷺ منحصر به این شش مورد نبود، بلکه ایشان تا سال دهم نیز نامه‌های متعددی برای سران جهان نوشت و فرستاد. (طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۸۶۴)

۲.۳.۱.۵. جهاد

پیامبر اکرم ﷺ برای گسترش اسلام، به امر تبلیغ بسنده نکرد و زمانی که قدرت بیشتری یافت، در رفع موانع کوشید و کسانی را که سد راه مطرح شدن معارف دین و رسیدن پیام اسلام به انسان‌ها بودند، با مبارزه و جهاد از میان برداشت. بسیاری از غزوات و سرایای پیامبر اکرم ﷺ، دفاع از حقوق انسانی بود؛ دفاع از انسان‌هایی که گرفتار اوهام و خرافات بودند و حاکمان خودسر، آنان را در خدمت اهداف شوم خود استثمار می‌کردند. (واقعی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۷)

ماهیت جهاد در اسلام، چیزی جز دفاع نیست؛ زیرا هر نوع جنگ و ستیزی که برای

به دست آوردن مال و ثروت و استخدام نیروهای اقتصادی یا انسانی دیگران باشد، از نظر اسلام، نوعی ظلم تلقی شده و ناپسند است. از نگاه اسلام، دفاع انواع مختلف دارد. گاهی دفاع از ناموس و حقوق شخصی است، گاهی دفاع از استقلال و شرافت یک ملت است، گاهی دفاع از حقوق انسان‌هایی است که مورد ظلم و تجاوز قرار گرفته‌اند و زمان دیگر نیز جایی است که حقوق انسانی افراد به خطر افتاده و عده‌ای، مانع رسیدن پیام حیات بخش اسلام به آنان هستند. (بلاذری، ۱۳۶۷، ص ۴۷۱)

۲،۳،۳. انجام سفرهای تبلیغی

از سفرهای تبلیغی پیامبر ﷺ و یارانش که منشأ اثر و خیر فراوان بوده و توانستند بذر اسلام را در بلاد دیگر بپاشند و زمینه گرایش مردم را به اسلام فراهم نمایند، می‌توان به سفرهای مهم ذیل اشاره کرد:

۲،۳،۳،۱. مهاجرت به حبشه

در سال پنجم بعثت، پس از آنکه پیامبر اکرم ﷺ یاران خود را تحت آزار و شکنجه شدید دشمنان و مشرکان قریش دید، برای حفظ جان آنان دستور «هجرت» را صادر کرد. دلیل مهم انتخاب حبشه، تنها برای حفظ جان مسلمانان نبود. در این سفر، پیامبر ﷺ توانست پیام دعوت الهی را به مردم حبشه ابلاغ کند. در این گروه تبلیغی، مبلغان موفق‌تری همچون جعفر بن ابی طالب حضور داشتند که به هنگام تبلیغ اسلام در دربار پادشاه حبشه توانست با سخنان زیبا و تلاوت آیاتی از قرآن، نجاشی و دیگر بزرگان مسیحیت حاضر در دربار را تحت تأثیر کلمات خود قرار دهد و نور ایمان را در دل نجاشی روشن کند. (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۴۵)

۲،۳،۳،۲. سفر به طائف

در کنار تبلیغ‌های پیامبر ﷺ، افراد معاند مشرکی بودند که به طور مداوم به سم‌پاشی تبلیغاتی مشغول بودند تا بتوانند اثر تبلیغی پیامبر ﷺ را خنثی یا کم‌رنگ سازند. ابولهب، از جمله افرادی بود که مواظبت می‌کرد پیامبر ﷺ با کسی تماس نگیرد و هر زمان که حضرت

با فرد یا گروهی ارتباط برقرار می‌کرد و آنان را به اسلام فرا می‌خواند، به آنان می‌گفت: «این برادرزاده من دروغگو است. سخنش را نپذیرید». به دلیل همین تبلیغات مسموم بود که بعضی از قبایل مانند «بنی حنیفه» پیامبر ﷺ را از خود می‌رانند. اینجا بود که پیامبر اکرم ﷺ به قصد پناه بردن به قبیله «ثقیف»، به طرف شهر «طائف» رفت و مورد بی‌مهری بزرگان طائف قرار گرفت و مجبور شد به مکه بازگردد؛ اما توانست «عداس» غلام مسیحی را با تبلیغ خود به اسلام دعوت کند. (همان، ص ۱۳۴۷)

۲،۳،۴. فتح مکه در نتیجه سفر تبلیغی پیامبر ﷺ

در ماه ذی القعدة سال ششم هجری، به همه مسلمانان اطلاع داده شد تا آماده رفتن به مکه شوند. پیامبر ﷺ با این اقدام خود قصد داشت در برابر دیدگان هزاران مشرک، قدرت مسلمانان را به آنان بنمایاند. سران قریش در نزدیکی مکه، مانع ورود مسلمانان به شهر شدند. در نهایت، طی مذاکرات و گفتگوهای فراوان به توافق رسیدند پیامبر ﷺ و یارانش به مدینه بازگردند و در سال‌های آینده برای انجام مراسم حج مجازند وارد مکه شوند. این توافق به پیمان «صلح حدیبیه» معروف گردید.

پیمان حدیبیه، ثمراتی برای مسلمانان در پی داشت که از جمله: ایجاد امنیت در مرزهای جنوبی مدینه و فراهم شدن زمینه تبلیغ اسلام در نقاط دیگر بود. پس از پیمان شکنی قریش، پیامبر ﷺ دو سال بعد در سال هشتم هجری به همراه ده هزار نفر، به طور رسمی برای فتح مکه رو به سوی آن شهر نهاد و آنجا را فتح کرد. (میرخواند، ۱۳۸۰، ص ۸)

۲،۳،۵. تبلیغ مردم در مراسم حج

در زمان جاهلیت، هنگامی که میان یهودیان و اعراب بت پرست یثرب، نزاعی درمی‌گرفت، یهودیان به اعراب می‌گفتند: «به زودی پیغمبری از نژاد اسرائیل خواهد آمد و سرپرستی ما را به عهده خواهد گرفت و ما بر شما ریاست خواهیم یافت». بدین ترتیب، زمینه ظهور پیغمبر ﷺ در ذهن مردم یثرب آماده بود. همچنین درگیری و جنگ طولانی بین دو قبیله اوس و خزرج، آنها را خسته کرده بود و برای رهایی از آن به دنبال فرصت بودند. (نگارش، ۱۳۸۵، ص ۸۱)

با اعلام دعوت پیامبر ﷺ به اسلام، افرادی همچون سوید بن صامت و انس بن رافع از مردم یثرب، به حضرت ایمان آوردند. ولی آنچه زمینه را برای هجرت و مسائل بعدی در یثرب مساعد ساخت، ملاقات پیامبر ﷺ با چند نفر از قبیله خزرج در موسم حج سال ۱۱ بعثت بود. آنان شنیده بودند که پیامبری از بنی اسرائیل ظهور خواهد کرد. از این رو قصد داشتند از رقبای خود یعنی قوم یهود پیشی گیرند. بنابراین پس از پذیرش آیین اسلام، به یثرب بازگشتند و به تبلیغ دین جدید پرداختند. از آن زمان، در همه جای شهر، صحبت از پیامبر ﷺ و آیین او بود. در سال ۱۲ بعثت و به هنگام حج، ۱۲ نفر از مردم مدین، در عقبه - حد فاصل منا و مکه، به فاصله دو مایل از مکه - با پیامبر ﷺ ملاقات و بیعت کردند و نخستین پیمان اسلامی انعقاد یافت. بیعت آنان این بود که به خدا شرک نوزند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، بر کسی تهمت نزنند، در کارهای خیر که محمد ﷺ دستور می‌دهد از او اطاعت کنند. پس از آن، پیامبر ﷺ یکی از یاران خود به نام مصعب بن عمیر را به همراه آنان به یثرب فرستاد تا قرآن را به مردم تعلیم دهد؛ ضمن اینکه می‌خواست از وضع شهر و مقدار استقبال مردم از اسلام مطلع گردد.

در سال ۱۳ بعثت، دومین پیمان عقبه منعقد گردید. در این پیمان، هفتاد و سه نفر با پیامبر ﷺ بیعت کردند که دو نفرشان زن بود. بیعت آنان این چنین بود که، به یاری او با دشمنان خدا پیکار کنند. این بیعت را بیعت الحرب نامیدند و پس از این بیعت بود که پیامبر ﷺ به مسلمانان اجازه داد تا به یثرب بروند. از آن به بعد، هجرت مسلمانان به آن شهر آغاز شد و مردم یثرب به خوبی از ایشان پذیرایی کردند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵)

در تمامی این شرایط سخت و دشوار که پیامبر ﷺ به تبلیغ می‌پرداخت و از فرصت‌ها به صورت بهینه استفاده می‌کرد، همواره مورد تعقیب سران قریش به ویژه ابولهب قرار داشت. گاهی پیامبر ﷺ مشغول سخن گفتن بود که ابولهب از پشت سر ظاهر می‌شد و می‌گفت: مردم! سخن او را باور نکنید، زیرا او با آیین نیاکان شما سر جنگ دارد و سخنان او بی پایه است. مخالفت وی، تبلیغات حضرت را به ویژه در سران قبایل کم اثر می‌کرد

و با خود می‌گفتند: اگر آیین وی صحیح و ثمربخش بود، هرگز فامیل او با او به جنگ
بر نمی‌خاستند. (ابن سعد، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۴۵)

۲,۳,۶. مدارا، گذشت و تشویق مردم؛ اصول اولیه دعوت

یکی از رموز موفقیت چشمگیر پیامبر ﷺ در عرصه دعوت، مهربانی، خوشرویی، برخورد
مشفقانه و مهرآمیز و دوستی خالصانه با مخاطبان بود. او مشرکان را به منزله بیمارانی نیازمند
مداوا و مؤمنان را برادرانی محتاج راهنمایی و هر دو گروه را لایق شفقت‌ورزی می‌دید و از
این جهت، برخوردی در نهایت صمیمیت، عاطفه و دلسوزی داشت تا دل‌های آنان را برای
پذیرش پیام‌های آسمانی، نرم و پذیرا گرداند و از مقاومت و عنادشان بکاهد. در برخورد با
مؤمنان، تساهل و مدارا، اولین روش تبلیغی است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:
«پیامبر ﷺ نرم‌خوترین مردم و در معاشرت، بزرگواریترین مردم بود». (معتزلی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۱۹۲)
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، همانند رهبران دیگر، با انسان‌هایی مواجه بود که دارای روحیات
گونگون و انتظارات متفاوت بودند. هنر این بزرگوار این بود که با هر کس، به تناسب
شخصیت فکری، روحی، اخلاقی و اجتماعی او برخورد می‌کرد. انتقادپذیری، مشورت و
نظرخواهی، تواضع در برابر مردم، بخشودن خطاها، لغزش‌ها، توهین‌ها و جسارت‌ها و نیز
احسان و ایثار به مردم، از ویژگی‌های ایشان بود؛ صفاتی که سبب شده بود اصحاب،
عاشق و شیفته آن حضرت شوند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ
اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ (به برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر
خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش
بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر
خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد﴾. (آل عمران: ۱۵۹)

مونتگمری وات، استاد مطالعات اسلامی و شرق‌شناس اروپایی، که حوزه اصلی

مطالعاتش سیره پیامبر اکرم ﷺ بود، در وصف رسول خدا ﷺ می‌نویسد: شخصیت محمد ﷺ به گونه‌ای بود که احترام و اعتماد مردم را بر اساس مجاهدت‌های دینی و خصال خوب همچون شهامت، قدرت تصمیم و استحکام در رفتار توأم با سخاوت جلب می‌کرد. اخلاق و رفتار ایشان چنان پسندیده بود که محبت و دوستی مردم را به دست می‌آورد و آنان را به فداکاری برمی‌انگیخت. (مونتگمری، بی‌تا، ص ۲۹۴-۲۹۶)

پاسخگویی آرام به سؤالات، شبهات و تهمت‌ها، گذشت و آسان‌گیری در مسائل شخصی، برقرارساختن ارتباط صمیمی با مؤمنان و حتی با مشرکان و شکیبایی در مقابل آزار و اذیت دوستان و دشمنان، برخی از مصادیق روش نرمش و مدارا است که رسول خدا ﷺ در فرایند تبلیغ به کار می‌برد. از جمله اصول دیگری که پیامبر ﷺ در مواجهه با مؤمنان به کار می‌بست، تشویق آنان بود. تشویق، نقش مهمی در تعمیق ایمان و انجام اعمال صالح دارد. رسول خدا ﷺ این روش کلی را برای ارشاد و دعوت مردم به کار می‌گرفت و آن را در ایجاد تغییر و تحول رفتاری مؤمنان و توسعه حاکمیت احکام اسلامی مهم و مؤثر می‌دانست. (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۷۲)

۲،۳،۷. مخاطب‌شناسی و احترام و تکریم به مخاطب

رسول خدا ﷺ با شناخت کامل مخاطبان، برای هدایت آنها، شیوه‌های متفاوتی به کار می‌گرفت. ایشان ضمن شناسایی ویژگی‌های گروه‌های مختلف یهودیان مدینه، با هر گروه، به صورت جداگانه، قرارداد امضا کرد (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰) و به نحوی با آنها صحبت نمود که وحدت یهودیان را بر هم نزند. این روش سبب شد در جنگ‌هایی که هریک از گروه‌ها و قبایل یهود با آن حضرت داشتند، آنان تنها بمانند. تاریخ نشان داده که هر گروه، به تنهایی و در زمان خاصی، جنگ را آغاز کردند و کمتر توانستند ضمن اتحاد با هم، به یک قدرت بزرگ تبدیل شده و برای حکومت پیامبر ﷺ دسرساز شوند. از طرفی پیامبر ﷺ با تبلیغات صحیح خود، بعضی چهره‌های یهود، که زمینه هدایت در آنها وجود داشت، شناسایی کرد و با تبلیغات، آنها را به اسلام متمایل ساخت تا آنجا که شخصی مانند «مخریق»، اسلام آورد و در جنگ بدر، در رکاب آن حضرت شهید شد

و وصیت نمود همه دارایی اش در اختیار پیامبر ﷺ قرار گیرد. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲)

ادب و احترام به مردم، از ویژگی های شخصیتی رسول خدا ﷺ است. آن بزرگوار حتی در مقام دعوت و تبلیغ دین خدا، در برابر کافران و مشرکان نیز با نهایت احترام و تواضع سخن می گفت. اگر مبلغ بتواند در دل و جان مخاطبان، تأثیرگذار باشد در رسیدن به نتایج، گام های سریع تری برداشته است و پیامبر ﷺ با راهکارهای خاص خود، همچون احترام به مردم، این زمینه را به وجود آورد. به عنوان مثال، پیامبر ﷺ احترام خاصی برای کودکان قائل بود. انس بن مالک نقل می کند که رسول خدا ﷺ وقتی که بر کودکان می گذشت، به آنان سلام می داد. در روایت دیگر دارد که فرمود: یکی از پنج خصلتی که تا پایان عمر هرگز ترک نخواهم کرد، سلام کردن به کودکان است تا پس از من به صورت سنت درآید. همچنین احترام به دیگر طبقات در سرلوحه کار تبلیغی پیامبر ﷺ بود. (طباطبایی، ۱۳۸۳، ص ۷۹)

هرگز پیامبر ﷺ خلق و خوی مردمی و محبت به مردم را فراموش نکرد. مانند خود مردم زندگی می کرد و قدرت، رفتار او را تغییر نداد. در همه حال با مردم و از مردم بود. نقل شده که از او بخشنده تر، یاری کننده تر، شجاع تر و درخشان تر، کسی دیده نشده است. با اینکه هیبت الهی داشت، با مردم خوش رفتاری می کرد. وقتی در جمعی می نشست، شناخته نمی شد که او پیامبر خدا ﷺ است. (ابن خلدون، ۱۳۵۶، ص ۴۳۶)

گوستاو لوبون، مستشرق فرانسوی، که در آثارش، تعصب های یک جانبه و منفی نسبت به اسلام و آیین محمدی کمتر به چشم می خورد، درباره سیره پیامبر ﷺ می نویسد: با محرومان، گشاده رو و در برابر گردن کشان، با مهابت برخورد می کرد. تجملات و رفاه زدگی را نمی پسندید و با وجود سادگی و زهد و قناعت، به وضع ظاهر خویش توجه داشت. درصدد بود قومی را که در توخش بودند، به سوی معنویت سوق دهد که موفق شد و از این لحاظ، بر تمام مصلحان دیگر رجحان داشت. پیامبر ﷺ در مدینه یک حکومت اسلامی تشکیل داد و بخش مهمی از وقت خود را صرف امور اخلاقی، اجتماعی و مناسبات سیاسی و امور نظامی کرد؛ زیرا کار دین و دنیا را از هم جدا نمی دانست. (دورانت، بی تا، ص ۲۲۵)

۳. اهداف تبلیغاتی معاویه

بنی‌امیه و در رأس آنها معاویه، بر پایه اهداف تبلیغاتی خود که مهم‌ترین آن، محو تشیع و نام امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود، عملاً راه را برای جایگزینی امویان به جای اهل بیت علیهم السلام در اسلام مهیا می‌ساختند. در این معنا، توجه به تفاوت‌های مخاطبان از حیث رویارویی با سیاست‌های اموی و نسبتی که با اهل بیت علیهم السلام داشتند، روش‌های تبلیغی معاویه را در دو رویکرد، متمایز می‌سازد: اول، اقداماتی در راستای بسترسازی و آماده‌کردن افکار عمومی برای پذیرش دین مورد نظر معاویه و دوم، اقداماتی که به نوعی به ساختن و پرداختن افکار عمومی توجه داشت. هدف اصلی معاویه، استقلال حکومت خود بر شام و سرانجام دستیابی به حکومت جهان اسلام بود. (بلاذری، ۱۳۹۴، ج ۵، ص ۳۱) او این برنامه را از شام آغاز کرد و آن را به‌گونه‌ای ریشه‌دار ساخت که شام تا یک قرن پس از آن، طرفدار بنی‌امیه و عثمانی باقی ماند. دستگاه تبلیغاتی معاویه به قدری عمیق و کارا بود که مردم شام، اسلام را همان‌گونه که معاویه ارائه می‌داد، پذیرفته بودند و به آن عمل می‌کردند. در چنین شرایطی، طبعاً فضای تخریبی علیه ائمه اطهار علیهم السلام و به‌ویژه امیرالمؤمنین علی علیه السلام وسعت قابل توجهی به خود می‌گرفت که در اهداف تبلیغاتی معاویه نمود می‌یابد.

۴. سیاست‌های تبلیغی معاویه در شام

۴.۱. مرحله پیش از تبلیغات

این مرحله با هدف ایجاد حالت تحریک‌پذیری و آماده‌سازی مخاطب برای ایجاد تحریک لازم در زمان مناسب و واردنمودن او به رفتار دلخواه است. این مرحله دارای چند محور بود:

۴.۱.۱. منع آگاهی

بهره‌برداری از عنصر «جهل مردم»، یکی از محورهای اصلی حرکت‌های تبلیغاتی نوین است. اولین گامی که معاویه در راستای اجرای برنامه‌های فرهنگی خود با هدف معرفی

خودش اقدام کرد، «حصر کامل فرهنگی شام» بود. مهم‌ترین اقدامات او در راستای تحقق کامل این حصر فرهنگی عبارت بود از:

الف) جلوگیری از رفت و آمد محدثان سایر بلاد اسلامی به حوزه حکومتی خود یعنی شام؛

ب) جلوگیری از خروج و اقامت شامیان در خارج از شام به مدت طولانی؛

ج) جلوگیری از کتابت و نقل احادیث نبوی در شام و نیز در همین راستا، ترویج علوم و فنون دیگر همچون داستان‌سرایی به جای علم حدیث، که منشأ ورود بسیاری از اسرائیلیات و فرهنگ ساختگی یهود به کتب اسلامی شد. (واقدی، ۱۴۰۳، ص ۶۴)

معاویه در این مرحله موفق شد هر آنچه را که به صلاح حکومت خود می‌دید تحت پوشش نام اسلام، به مردم شام، که به تازگی با اسلام آشنا شده بودند، القاء نماید.

۴،۱،۲. تشنج‌آفرینی فکری و نظامی

از آنجاکه میزان تلقین‌پذیری فرد و جامعه، در شرایط بحرانی و آشوب‌زده، به مراتب افزایش می‌یابد، معاویه برای دستیابی بهتر به اهداف خود، با طرح «قتل خلیفه مظلوم» و اتهام آن به امام علی علیه السلام، حوزه اسلامی را دچار آشوب فکری عجیبی ساخت. در حرکت بعدی خود، یعنی تشنج‌آفرینی نظامی، ابتدا با ایراد خطبه‌هایی در شام، امام را به عنوان فاتحی معرفی کرد که با کشورگشایی خود قصد به اسارت بردن زنان و کودکان مسلمانان را دارد. وی با این ترفند، آشوبی در میان مردم خویش به پا کرد که پس از آن، بیش از ۸۰ هزار سپاهی به قصد خونخواهی خلیفه مظلوم و دفاع از قلمرو شام و زن فرزندشان، با او بیعت کردند. (فرهمندپور، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹)

از سوی دیگر، وی همین احساس عدم امنیت را به گونه‌ای دیگر در قلمرو امام علی علیه السلام ایجاد کرد. معاویه با تجهیز سپاه‌یانی که به صورت وحشیانه‌ای به شهرهای مختلف تحت حکومت امام علیه السلام حمله می‌بردند، به کشتار و غارت اموال مردم پرداخت و روحیه مردم این مناطق را به شدت تضعیف و درجه تلقین‌پذیری و نارضایتی آنان را بالا برد. (خاوری

خراسانی، ۱۳۵۴، ص ۷۴)

۴,۱,۳. اسطوره‌سازی

در این شیوه، معاویه با توجه به فرهنگ جامعه عصر خود، در ابتدا با انتساب احادیث ساختگی به رسول خدا ﷺ، تصویری اسطوره‌ای و هدایت‌یافته از عثمان و سپس از خویش و در نهایت، از سرزمین شام ساخت و سپس با در خطر نشان دادن این سرزمین اسطوره‌ای، مردم را تحریک و به رفتار دفاعی و همسو با نیت خود وادار کرد. (فرهمن‌دپور، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰)

۴,۱,۴. سیاست قداست زدایی و حذف رسول خدا ﷺ

معاویه برای هموار کردن مسیر و رسیدن به هدف نهایی، ابتدا خود را خلیفه مسلمانان نامید و پس از تثبیت قدرت خود با استدلال‌های مغالطه‌ای مقام خلیفه الله را برای خود تبلیغ کرد. با فراهم شدن زمینه تلاش کرد که مقام خود را بالاتر از رسول خدا ﷺ نشان دهد. وی می‌گفت من خلیفه خدا هستم و پیامبر، فرستاده خداست و معلوم است که مقام و جایگاه خلیفه و جانشین بالاتر از فرستاده است. (المسعودی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۵۳)

۴,۲. مرحله تبلیغات تثبیتی معاویه

این مرحله شامل یک سری «تبلیغات تثبیتی» در راستای جذب مخاطبین به سوی دستگاه تبلیغاتی معاویه است.

۴,۲,۱. بهره‌گیری از گرایش اجتماعی ثروت و مال‌اندوزی

معاویه، آگاهی کاملی از روحیه مادی حاکم بر جامعه و اشراف و سردمداران امور داشت و از کارآیی عنصر تطمیع در چنین جامعه‌ای، به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف خود، به خوبی آگاه بود. از این رو، شعار دستگاه خود را «لِكُلِّ عَمَلٍ أَجْرٌ» قرار داده بود و این شعار را نقش خاتم خود ذکر کرده بود و می‌گفت: هزاران هزار درهم و دینار را برای بقای حکومت خویش به این و آن می‌دهم تا از شروع جنگی که بیش از اینها برایم هزینه خواهد داشت، جلوگیری کنم. (خاوری خراسانی، ۱۳۵۴، ص ۷۶). افراد بسیاری تحت تأثیر این

سیاست معاویه، از مساوات و عدل علوی گریخته و به دنیای اموی، روی آوردند؛ درحالی که بسیاری از آنها، دلشان با علی علیه السلام بود و اعتقادشان به عمل علی علیه السلام؛ اما چه سود که دست و چشمشان به دنبال بذر و بخشش معاویه بود. یکی از این افراد، عقیل برادر علی بن ابی طالب علیه السلام است. او که موفق به دریافت سهم بیشتر بیت المال از برادر خویش نشد، نزد معاویه رفت و معاویه نیز یکصد هزار درهم به او داد و گفت: بر فراز منبر برو و آنچه را علی علیه السلام با تو کرد و آنچه را من با تو کردم، بازگو کن. عقیل نیز بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی گفت: ای مردم خبرتان دهم که از علی علیه السلام چیزی برخلاف دینش خواستم، ولی او دینش را بر من ترجیح داد و از معاویه برخلاف دینش خواستم و او مرا بر دینش ترجیح داد. (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۸۵)

۴.۲.۲. بهره‌گیری از گرایش خواص به مقام

الف) سوء استفاده از جاه‌طلبی طلحه و زبیر و تحریک آنان برای به دست گرفتن عراق با نوشتن نامه به ایشان و دادن وعده بیعت مردم شام با آنان.

ب) قراردادن ولایت مصر به عنوان پاداش همکاری عمروعاص، کسی که معاویه برای غلبه بر علی علیه السلام، خود را سخت محتاج تزویرهای او می‌دید. (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۹۰)

ج) وعده و وعیدهای معاویه به سران یاران علی علیه السلام و بذر و بخشش‌های بی‌اندازه او برایشان. معاویه به همه فهمانده بود که هر کس در راستای اهداف او مشارکت فعال یا حتی منفعل داشته باشد، از مال و مقام بهره‌مند خواهد شد، ولی در عین حال، خود را فردی بی طرف و تابع افکار عمومی معرفی می‌کرد تا در نظر مردم، از هرگونه شائبه قدرت‌طلبی و مقام‌دوستی مصون باشد و او را تنها به عنوان مجری آراء عمومی مردم بشناسند. (آرنولد، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴)

۴.۲.۳. معاویه و خون عثمان

خونخواهی عثمان در واقع نقطه عطف سیاست‌های تبلیغی امویان (به ویژه معاویه) به شمار می‌آید. معاویه که از قتل عثمان فوق العاده خشنود بود، عمروعاص، طراح این نمایش تبلیغاتی و از کسانی که آتش فتنه علیه عثمان را برافروخت، در پناه خود در شام پذیرفت و

با همدستی او، به تحکیم دولت اموی و پریشان کردن کار خلافت بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرداخت. پس از این دوره است که معاویه به ویژه در شام به طور جدی به فکر ایجاد یک تبلیغات مستحکم در مقابل ورود و عرصه اندیشه‌های اسلام اصیل افتاد.

تاریخ، اولین صحنه عداوت معاویه با علی علیه السلام را در قضیه عثمان بن عفان چنین ترسیم می‌کند: هنگامی که خلیفه سوم در خانه خود نشسته بود و احساس کرد شورشیان در اطراف خانه او جمع شده و قصد حمله دارند، علی بن ابی طالب علیه السلام کسانی را به سرپرستی فرزندش، حسن بن علی علیه السلام فرستاد که به در خانه عثمان بروند و او را حفاظت کنند، ولی شورشیان از دیوار به خانه عثمان وارد شدند و او را با شمشیر مورد هجوم قرار دادند. (کوفی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۱۸)

معاویه در این ماجرا، گروهی را از شام به مدینه اعزام کرد تا پیراهن عثمان را که به عقیده معاویه، آلوده به خون وی بود، از مدینه به شام آورند و سپس آن را روی زمین بگسترانند و با یاران خود به دور آن گرد آمد و به سوگواری پرداختند و علی علیه السلام را متهم به قتل عثمان ساختند. از این پس، درگیری‌های نظامی میان علی علیه السلام و معاویه آغاز گردید. (کوفی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۲۰)

۴،۲،۴. سیاست‌ها و تبلیغات ضد شیعی معاویه

پس از آنکه معاویه به خلافت رسید و تمامی جهان اسلام را در دست قدرت خود دید، دست عوامل ستمگر خویش را در اعمال فشارهای همه جانبه بر شیعیان در تمامی مناطق اسلامی باز گذاشت. این مناطق، به ویژه عراق، که تقریباً مرکز تجمع شیعیان علی علیه السلام محسوب می‌شد و نیز مدینه بود که هنوز جلوه‌های نورانی حضور علی علیه السلام در گوشه و کنار این شهر پرخاطره، فرزندان مهاجر و انصار را به وجود مقدس او و فرزندانش علاقه‌مند و ارادتمند می‌ساخت. وی بخشنامه‌ها و اوامری قاطع خطاب به ایادی خود نظیر مغیره بن شعبه و زیاد بن ابیه صادر کرد که گویای عمق کینه و البته وحشت وی از وجود، حضور و فعالیت‌های شیعیان علی علیه السلام بود. این سیاست‌های ضد شیعی را می‌توان ذیل چند عنوان بررسی کرد:

الف) قتل، کشتار و از میان برداشتن هر کسی که وجودش، حرکتش و یا کلامش می‌توانست برای امویان خطرناک باشد و حتی قتل کودکان بی‌گناه برای شکستن مقاومت پدرانشان؛
 ب) ایجاد فشار اقتصادی، مصادره اموال و به وجود آوردن مضیقه در معیشت شیعیان؛
 ج) اعمال فشار روانی و محاصره تبلیغاتی و ایجاد انزوای اجتماعی برای آنها.

در توضیح این موارد باید گفت، این کشتار بی‌رحمانه در قالب به شهادت رساندن ائمه شیعه و نیز برخی از استوانه‌های تشیع همچون مالک اشتر، حجر بن عدی و عناصر برجسته دیگری مانند عمرو بن الحکم خزاعی، عبدالله بن یحیی حضرمی، رشید هجری، جویریة بن مسهر عبدی، اوفی بن حصین و محمد بن ابی بکر و دیگرانی شکل گرفت که حاضر به مصالحه با معاویه نشدند و در اعمال جنایت در حق همه کسانی استمرار یافت که به تأیید خط اموی راضی نبودند. (علم‌الهدی، ۱۳۹۰، ص ۳۶)

همچنین معاویه، بیت المال را از عراق به شام منتقل کرد، سهم شام و خصوصاً بازی خوردگان حاضر در جمل و صفین را افزایش داد و از عطای عراق به ویژه شیعیان کاست. وی حتی به عاملین خود دستور داد که از آزار و فشار اقتصادی نسبت به شیعیان فروگذار نکنند و فشار مالی را از آزار و خشونت جانی شدیدتر و زجرآورتر معرفی کرد. (واقدی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۵)

معاویه علاوه بر آنکه تلاش کرد شیعیان را دچار ضعف اقتصادی و درگیر مصائب و مشکلات عدیده دیگر کند، به شکل‌های گوناگون، زمینه ایجاد یک انزوای اجتماعی را برای آنها فراهم آورد. از جمله این زمینه‌ها می‌توان به مسأله رد شهادت و گواهی شیعیان اشاره کرد. یعنی شیعیان عملاً در جامعه اسلامی گروهی مطرود تلقی شدند که نه تنها شهادت و گواهی آنان قبول نمی‌شد، بلکه در جو خفقان اموی، حتی حق تعلیم و ذکر آراء و عقیده‌شان در مجامع خصوصی خود را هم نداشتند. نکته مهم دیگر اینکه سب و لعن بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام، امام شیعیان و تجسم عینی همه اعتقادات و آمال آنان، به عنوان یک شکنجه دائمی برای علاقه‌مندان به وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام، جزء لاینفک خطبه‌ها، منابر و مساجد گردیده بود. (محمد العقاد، ۱۴۱۲، ص ۲۵۱)

مسئله لعن بر منابر، اساساً سیاست خشونت ضد علوی به شمار می‌رفت که با همه ابعاد و جوانبش، از معاویه به جانشینانش انتقال یافت. همچنین فشار سیاسی-اقتصادی، ضرب و شتم و جرح و شکنجه و ارباب... بر شیعیان خصوصاً در کوفه، در زمان معاویه اعمال می‌شد. این رفتار، پس از شهادت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام شدت و جسارت بیشتری یافت و این روند نیز از معاویه به سایر خلفای اموی منتقل گردید و به ویژه پس از شهادت امام حسین علیه السلام و سپس در زمان عبدالملک و با مباشرت حجاج بن یوسف، وارد دوره جدیدی شد. (معتزلی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۴۳-۴۶)

در اینجا طرح دو نکته بسیار ضروری است: اولاً درست همزمان با اعمال سیاست‌های ضد علوی، معاویه و بسیاری از کارگزاران او به خوبی به حقانیت علی علیه السلام آگاه و بلکه به شرافت و افضلیت او معترف بوده‌اند. ثانیاً سلطه همه جانبه امویان نه تنها بر جسم و جان مردم، که بر عقل و اندیشه و درک آنها نیز چنان استقرار پیدا کرده بود. بدیهی است که با این جوّ فکری و اجتماعی، دشمنی با علی علیه السلام و آل علی علیهم السلام موجب فخر و مباهات و یاری دشمن علیه فرهنگ شیعی، بهترین ابزار ارتقای اجتماعی آن زمان می‌شد.

۴،۲،۵. سیاست جعل حدیث

علاوه بر قتل و شکنجه و طرد اجتماعی یاران امیرالمؤمنین علیه السلام، ضربه محکم‌تر به کیان جامعه اسلامی و آموزه‌های اسلام نبوی و علوی با سیاست جعل حدیث انجام شد. این سیاست سبب شد مردم از فضایل اهل بیت علیهم السلام بی خبر بمانند و نسل‌های بعدی از سفارش‌های واقعی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطلع نشوند؛ اهل بیت علیهم السلام نیز در تبیین اسلام واقعی دست بسته بودند و حکومت به شدت مانع شده بود. ضمن اینکه ترویج سب و لعن علنی به امیرالمؤمنین علیه السلام و بی اعتبار کردن اهل بیت نزد مردم بویژه مردم مدینه و شام عملاً مردم را از مراجعه به خاندان رسالت منصرف می‌کرد. در این فضا معاویه با زیرکی و به راحتی توانست زمینه‌های قدرت‌گیری بیشتر خود و شاخه اموی را فراهم کند. (ابن جوزی، بی تا، ص ۱۱۵)

بنابراین شیوه‌های تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دعوت به اسلام، با سیاست‌های تبلیغی

معاویه در شام تفاوت زیادی داشته است که البته این موضوع، نیازمند بررسی بیشتر در حد يك تحقیق گسترده‌تر می‌باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهشی با موضوع «تبیین و تحلیل رویکردهای تبلیغاتی امویان و تاکتیک‌ها و شیوه‌های تبلیغی پیامبر ﷺ در دعوت به اسلام» به صورت مجزا انجام پذیرد. همچنین «روش‌شناسی تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ» از دیگر موضوعاتی است که مناسب است به آن پرداخته شود.

نتیجه‌گیری

رسول خدا ﷺ در نحوه برخورد با مخاطبین برای ابلاغ رسالت خویش، از شیوه‌های مختلف تبلیغی استفاده کرده است. آن حضرت با شیوه‌ای الهام‌گرفته از تعالیم و حیانی، در دل‌ها نفوذ کرد و جامعه جاهلی عربستان را متحول ساخت، تمدنی نو بنا نهاد و تعلیمات حیات‌بخش خود را در بخش وسیعی از جهان آن روز گستراند و آن را جاودانه نمود. همچنین اسلوبی با زیربنای الهی و هم‌ساز با کرامت انسانی در پیش روی بشریت نهاد. ایشان با اوضاع جامعه خویش آشنا و از معیارها و ارزش‌های آنان باخبر بود. از این رو، آن حضرت توانست زمینه مناسب بیان مطالب خود را مهیا کند. روش هدایت ایشان برای همه گروه‌ها و طبقات یکسان نبود و هر گروه و یا فردی را به شیوه‌های خاص خود دعوت می‌فرمود. به عنوان مثال، در مواجهه با اهل کتاب، بر مشترکات ادیان الهی تأکید می‌فرمود و در مواجهه با کافران، آنان را به تفکر و خردورزی و تأمل در آیات الهی دعوت می‌کرد. ایمان به خدا و معاد، هدایت مردم به حیات واقعی در دنیا و آخرت، برپایی عدالت و رفع اختلاف میان انسان‌ها و مبارزه با ظلم و فساد و تبعیض، از جاذبه‌های پیام پیامبر ﷺ بود که دل‌های بسیاری را به خود معطوف ساخت. موقعیت‌شناسی و مخاطب‌شناسی، پرهیز از اکراه و اجبار در پذیرش دین، اخلاق فردی و اجتماعی پیامبر ﷺ و تاکتیک‌های مبارزاتی از جمله هجرت، از شیوه‌های تبلیغی پیامبر ﷺ به شمار می‌رفت.

در مقابل معاویه با اتخاذ سیاست‌های خاص خود، ضد آنچه از اسلام ترسیم شد، به

تعقیب اهداف و تحکیم پایگاه خویش می‌پرداخت. او خود معترف بود که از اسلام و تبلیغ و جنگ و صلح و سایر موضع‌گیری‌هایش، رواج دین و پیروزی مسلمین را نمی‌خواهد، بلکه هدفش حاکمیت است. متداول‌ترین سیاست‌های معاویه، تبلیغات ضد علوی است و دامنه تبلیغات وسیع و شایعه‌پراکنی‌های ضد شیعی و ضد علوی در بسیاری از مناطق جهان اسلام گسترش می‌یابد. به‌کارگرفتن گروهی جاعل حدیث برای ساختن احادیثی با همان جهت‌گیری‌های ضد علوی و ضد انصار و با گرایش قریشی و ابوسفیانی، همه از جمله ابزارهای سیاسی-تبلیغاتی معاویه و کارگزاران او بوده است.

معاویه در این راه، سه اهرم فشار و سه پشتوانه اساسی برای موفقیت خویش فراهم آورده بود:

۱. توده مردم که تحت سلطه فکری-تبلیغی معاویه در شام، خود را کاملاً در اختیار تحقق امیال و اهداف او قرار داده بودند.
۲. افراد و عناصر کارآمدی که از راه طمع و وحشت، گرد معاویه جمع شده بودند و بازوهای قدرتمند معاویه در اعمال و سیاست‌های او محسوب می‌شدند.
۳. افراد سرشناسی که حضور آنها در کنار معاویه، نه تنها به لحاظ ظاهری، تأیید و توجیه حرکت فکری او بود، که اینان در عمل نیز از هیچ فعالیتی برای استحکام بخشیدن به پایه‌های فکری حکومت معاویه و مشروع جلوه دادن سلطه او فروگذار نکردند.

امویان به تبع معاویه، تغییر و تبدیل معارف اسلامی را در رویکردی تبلیغاتی و به منظور تشکیل، تثبیت و استمرار قدرت خود، در دستور کار قرار دادند. در این راستا، آنچه بنی‌امیه از آن بهره برد، فضای آکنده از ابهامی بود که در دوران خلفا استوار شده بود. فاصله‌گرفتن از آموزه‌های قرآنی و نبوی، رفته‌رفته شرایط را به نحوی پیش برد که مسلمانان از اسلام پوست آن را گرفتند و هسته آن را به دور ریختند.

فهرست منابع

قرآن کریم، ۱۳۶۷ش، ترجمه: محی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: بنیاد نشر قرآن.

الف) کتاب

۱. ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبة‌الله، ۱۳۷۸ق، شرح نهج البلاغه، تصحیح و تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار‌الفکر العربی.
۲. ابن اثیر، عزالدین، ۱۳۷۱ش، کامل: تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه: عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۳. ابن جوزی، شمس‌الدین ابوالمظفر (سبسطی)، بیتا، تذکرَةُ الْخَوَاصِّ مِنَ الْأُمَّةِ فِي ذِكْرِ خِصَائِصِ الْأُمَّةِ، تهران: مکتبه نینوا
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۵۶ش، العبر و دیوان المبتدا و الخبر، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، ۱۳۶۵ش، طبقات الکبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نو.
۶. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، ۱۳۷۵ش، زندگانی محمد پیامبر اسلام ﷺ (ترجمه سیره النبویه)، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: کتابچی.
۷. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۲ش، سیره تبلیغی پیامبر ﷺ، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. آرنولد، توماس، ۱۳۸۵ش، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه: ابوالفضل عزتی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۹. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۶۷ش، فتوح البلدان، ترجمه و مقدمه: محمد توکل، تهران: نقره.
۱۰. حدیدی، جواد، ۱۳۷۵ش، اسلام از نظر و نثر، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۱. حسینی، مرتضی، ۱۳۸۳ش، اخلاق تبلیغی در سیره رسول الله ﷺ، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۲. خاوری خراسانی، عبدالرسول، ۱۳۵۴ش، وقایع بعد از رحلت حضرت رسول اکرم ﷺ، تهران: آسیا
۱۳. دورانت، ویلیام، ۱۳۹۱ش، تاریخ تمدن، تهران: انتشارات بهنود
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۶۸ش، لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۵. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، ۱۳۶۴ش، اخبار الطوال، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق و تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه.
۱۷. رهبر، محمدتقی، ۱۳۹۱ش، پژوهشی در تبلیغ، قم: بوستان کتاب.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۳ش، سنن النبی ﷺ، قم: وحدت.

۱۹. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۵۲ش، *تاریخ الرسل و الملوك*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۰. عاملی، سیدجعفر مرتضی، ۱۳۹۱ش، *سیره صحیح پیامبر اعظم ﷺ*، (ترجمه کتاب *الصحيح من سيرة النبي الاعظم ﷺ*)، ترجمه: محمد سپهری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. فرهنگدپور، فهیمه، ۱۳۷۸ش، *تحلیل نیم قرن سیاست‌های تبلیغی امویان در شام*، تهران: امیر کبیر.
۲۲. کوفی، ابن اعثم، ۱۳۹۱ش، *الفتوح*، ترجمه: احمد بن محمد مستوفی، تهران: نور محبت.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۴. محمود العقاد، عباس، ۱۴۱۲ق، *معاویه بن ابی سفیان*، قاهره: دار الرشاد الحدیثه.
۲۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، بی تا، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت: دار المعرفه.
۲۶. میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود، ۱۳۸۰ش، *تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفاء*، تهران: اساطیر.
۲۷. وات، مونتگمری، ۱۳۸۹ش، *محمد پیامبر و سیاستمدار*، ترجمه: اسماعیل والی زاده، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۸. واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر، ۱۴۰۳ق، *فتوح الشام*، بیروت: دار الجبل.
۲۹. _____، ۱۳۸۸ش، *مغازی*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: ترجمه و نشر کتاب.

ب) مقاله

۱. شیمیل، آنه ماری، ۱۳۸۵ش، «محمد رسول خدا ﷺ»، ترجمه: حسن لاهوتی، *جام جم*، ۱۰ مهر.
۲. حجتی، محمدباقر و عباس مقدم، مصطفی، ۱۳۷۷ش، «برجسته‌ترین شیوه‌های تبلیغی رسول اکرم ﷺ»، *فصلنامه مدرس، زمستان*، ش ۹، ص ۲۵.
۳. علم الهدی، سید عبدالرسول و جمشیدی‌ها، غلامرضا، ۱۳۹۰ش، «پروپاگاندا ی بنی امیه علیه خاندان پیامبر ﷺ»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، پاییز، ش ۳۵، ص ۱۸.
۴. محمدی، هاشم، ۱۳۸۵ش، «شیوه‌های تبلیغی پیامبر اعظم ﷺ»، *فصلنامه دین و سیاست*، پاییز، ش ۹، ص ۶۵-۹۴.
۵. نگارش، حمید، ۱۳۸۵ش، «راهکارهای تبلیغی پیامبر اعظم ﷺ»، *فصلنامه پیام*، تابستان، ش ۷۷، ص ۶۶-۶۶.

